

قهرمان بدون ضدقهرمان هیچ است!

امیرمحمد بهامیر

کارشناس
رسانه



یکی از مباحث فلسفی که ظهور آن را امروزه در عالم داستان نویسی به خصوص در سینما و انیمیشن می بینیم، مساله رابطه قهرمان و ضدقهرمان است. قهرمان، موجودی از جهان خبر بوده و در مقابل ضدقهرمان که نماینده شر است، می ایستد. مساله ای که تقریباً در تمامی داستان های اساطیری جهان باستان تا به امروز وجود داشته است.

رابطه بین قهرمان و ضدقهرمان همواره با پیروزی قهرمان و نابودی ضدقهرمان همراه بوده است. اما در جهان نمایشی شده رسانه های امروزی این رابطه دستخوش تغییر عجیبی شده است. تغییری که نه تنها به نابودی ضدقهرمان و پیروزی خیر ختم نمی شود، بلکه به سازش قهرمان و ضدقهرمان منجر خواهد شد.

سازش قهرمان و ضدقهرمان را می توان در تعبیری که کریستوفر نولان در فیلم شوالیه تاریکی آن را ارائه می کند، یافت. بتمن به عنوان قهرمان فیلم در انتهای رویارویی خود با جوکر از کشتن او صرف نظر می کند. اتفاقی که با خشم جوکر همراه است که چرا حاضر به کشتن حریت نیستی. ریشه این رفتار بتمن را می توان کمی قبل تر در دیالوگ مشهور جوکر به بتمن یافت.

آن هم زمانی که نولان از زبان شخصیت ضدقهرمان فیلم رابطه این دو شخصیت را با تعریف دوباره می کند. جایی که جوکر خطاب به بتمن می گوید: «من نمی خوام تو رو بکشم! بدون تو چی کار باید بکنم؟ برم دوباره با دلالاتی مواد سر و کله بزنم؟! نه، تو متو کامل می کنی.»

دیالوگ جوکر نماینده فلسفه ای است که هگل آن را در فلسفه غرب پایه گذاری کرد. دیدگاهی که امروزه در نظام دیالکتیکی هگل به عنوان اصل تضاد دیده می شود. دیدگاهی که خیر و شر را در آغوش یکدیگر و وابسته به هم تصویرسازی می کند. یعنی اصل تعادل که آن را در فلسفه شرقی به خصوص در مکتب تائوئیسم با نماد مشهور یین و یانگ می بینیم.

تعادلی که تائوئیسم و هگل از آن صحبت می کنند، در این باره است که در جهان امروزی ما خیر و شر هیچ کدام نمی توانند بر دیگری چیره شوند. بلکه در تعادلی عمیق با یکدیگر کنار آمده و سازش می کنند. در واقع خیر و شر کامل کننده یکدیگر هستند و دیگری بدون مفهوم مقابلش معنا ندارد. دقیقاً ساختاری که رسانه های امروزی از قهرمان و ضدقهرمان آن را تصویر می کنند.

همین دلیل است که باعث شده بیننده آن باشیم که در آثار قرن بیستم قهرمان ها همیشه پیروز بر ضدقهرمانان باشند، همچون بتمن که جوکر را نابود می کند. اما در خوانش های قرن بیست و یکم از رابطه قهرمان و ضدقهرمان نه تنها بتمن جوکر را نمی کشد، بلکه او را زنده نگه می دارد. زیرا ارزش وجودی و هویت بتمن در حضور جوکر معنا پیدا می کند.

رسانه های امروز با چرخشی قابل تأمل پا به این عرصه گذاشته اند که نمایش ضدارزش هایی که در گذشته محکوم به نابودی بوده اند، امروز خود به ارزش تبدیل شوند. ضدقهرمان با ضدارزش هایش در بازنمایی امروزی نه تنها محکوم به نابودی نیست بلکه باید باقی بماند تا قهرمان و ارزش های او معنای خود پیدا کند.

نگاهی به غایت تاسف برانگیز که در ذهن مخاطب این اثر می گذارد که شر نه تنها نابود شدن نیست بلکه برای خیر منفعت نیز دارد. منفعتی که باعث می شود خیر وجود خود را مدیون شر بدانند. زیرا خیر و شر در نگاه فیلسوفان شرقی و غربی باید در تعادل باشند تا زندگی جریان پیدا کند. هرچند که این گزاره در نگاه فلسفه اسلامی تنها در بخش ابتدایی خود قابل قبول است. یعنی خیر و شر هر دو در دنیا وجود دارند ولی هرگز به تعادل ابدی که در نگاه هگل و تائوئیسم است، نخواهند رسید و چه بسا قدرت شر در جهان امروزی ما بیشتر از خیر باشد، به گونه ای که وقایع جهان امروزی نیز بر این قضیه تأکید می کند.

هرچند که شیطان دست برتر را در مقابل با خیر در اختیار دارد اما برای فعالیت های او مهلتی خاص از سمت خداوند تا زمانی معین قرار داده شده است. زمانی معین که با وعده الهی قطعاً به و قتلش مهلت شیطان و شر پایان می یابد و آنها محکوم به نابودی هستند، نه سازش با یکدیگر.

۳

خانه دوست کجاست، باشو غریبه کوچک، مدرسه ای که می رفتیم، بچه های آسمان. یک روزی تولیدات نوجوان نه تنها اساتید بزرگی مثل کیارستمی، بهرام بیضایی، داریوش مهرجویی و مجید مجیدی را همراه و دغدغه مند خود داشت بلکه جایی مثل کانون پرورش فکری هم بستری برای اولین قدم و اولین اثر این فیلمسازان بود. نخ کلاف هرکدام از این فیلمسازان و خیلی از کارگردانان به نام کشور را که بگیری بالاخره یک جایی پایشان به کانون باز شده یا یک دلسوز جدی شان گرفته و به آنها اعتماد کرده است. اتفاقی که در چند سال اخیر در بنیاد فارابی، باشگاه فیلم سوره و بعضی ارگان ها به صورت جدی با عنوان المپاد فیلمسازی نوجوان یا کاتینو برگزار می شود و نوجوان علاقه مند را برای قد کشیدن در این حوزه توانمند و یاری می کند. جشنواره فیلم کودک و نوجوان به عنوان مهم ترین بستر برای به نمایش گذاشتن فیلم هایی که توسط کودک یا نوجوان ساخته شده یا برای مخاطب کودک و نوجوان تهیه و تولید شده اما، هنوز کفه تولیدات کودکش سنگین تر است و هنوز هم این باتلاق کودک و نوجوان و چسباندن این دو کلمه با یک حرف ربط و او به همدیگر که در عین حال فرسنگ ها بین جزء به جزء ذائقه، فهم، خوراک مناسب و... باهم فاصله دارند، اهالی فیلم و سینما را در خود فروبرده و خیال جدایی ندارد. امسال در جشنواره سی و پنجم هم از آثار به نمایش درآمده و حتی جنس صحبت های مجید زین العابدین، دبیر جشنواره و مدیرعامل بنیاد فارابی پیدا بود هنوز هم اولویت با تولیدات رنج سنی ۱۳ سال به پایین است. باین همه اما راه اندازی المپاد فیلمسازی برای نوجوانان با استعداد و صاحب او با سرویس فرهنگی روزنامه فرهیختگان من را دلگرم می کند. زین العابدین در این مصاحبه نکاتی را بازگو می کند که ما نوجوانه ای ها به و قتلش از او در جایگاه یکی از بزرگ ترین ارگان های حوزه فیلم سربال مطالبه خواهیم کرد:

۱-۳. حمایت از تولید واکران مناسب فیلم های کودک و نوجوان
۲-۳. تشویق فیلمسازان برای ساخت تولیدات برای این قشر سنی به وسیله اکران و حمایت مناسب

۳-۳. تدوین ساز و کار حمایتی برای استقبال از فیلم های کودک و نوجوان توسط مخاطب

۴-۳. راه اندازی بنیاد ملی انیمیشن با حمایت

وزارت ارشاد و سازمان سینمایی

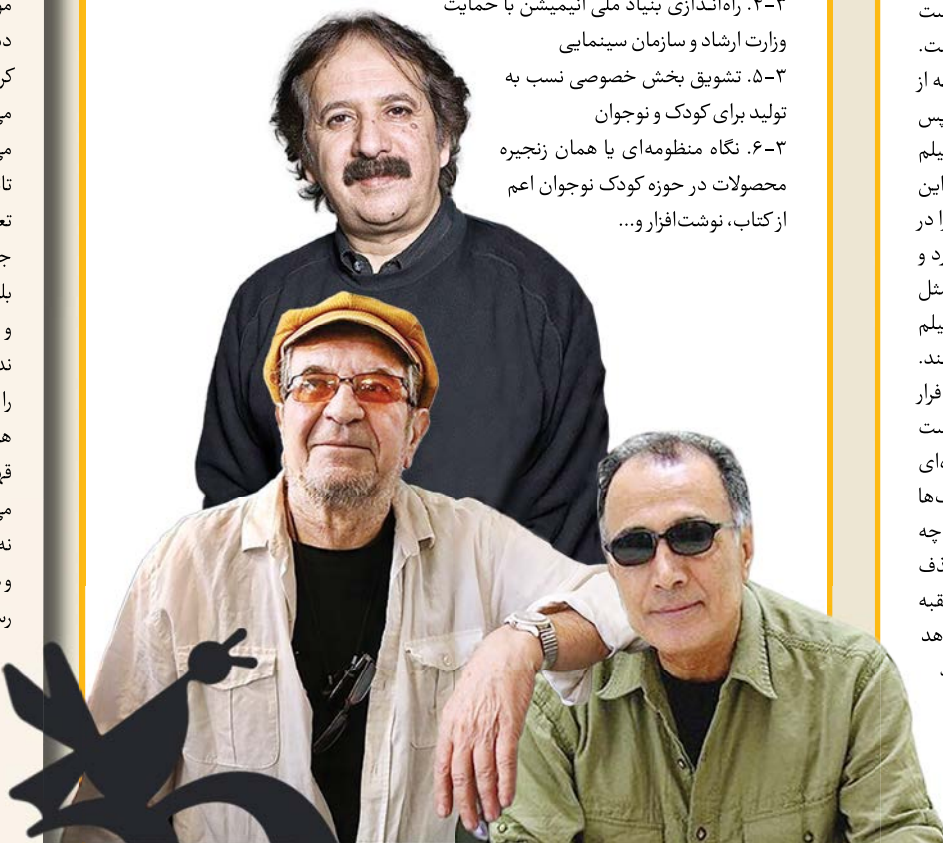
۵-۳. تشویق بخش خصوصی نسب به

تولید برای کودک و نوجوان

۶-۳. نگاه منظومه ای یا همان زنجیره

محصولات در حوزه کودک نوجوان اعم

از کتاب، نوشت افزار و...



۲

مطابقت دارد بلکه دل او را نسبت به این ارزش ها می کشد. حالاً در حالی که مرکز توجه دنیای تولیدات و مخاطب نوجوان است و با جذابیت های محتوایی و هیجانی هم از آن می برد هنوز سینمای ایران دست و پاها پوسیده و سیاه نمایی های اجتماعی است. بنظر می رسد دیگر با اقبال عمومی مواجه نیست. صلی دنیای سرگرمی را خیلی وقت است که از بیم، آنقدر که حتی بازگشت مجید مجیدی پس از مدتی مثل بچه های آسمان، این بار با فیلم درباره نوجوان کار است و قاعدتاً باید برای این نوع جذاب باشد، دیگر آن هیاهوی گذشته را در نمی کشد. قهری که سال هاست از آن می گذرد و جایی اتفاق افتاد که سازمان ها و ارگان هایی مثل فکری که در گذشته یکی از تولیدکنندگان حوزه فیلم نوجوان بودند از این رسالت خود فاصله گرفتند. ویم ما اساساً بین تجربه اتفاقات ناشناخته و فرار از معمولاً دومی را انتخاب می کنیم. بدیهی است به نوجوان امروز که بیش از این که پای پرده نقره ای شیشه ها غرق در فضای مجازی است و فرسنگ ها دهه پیش تفاوت دارد، شناخت نداشته باشیم چه ساز و کارگردان چه در جایگاه دیگر دست به حذف رای این حوزه می زنیم و دنبال کار سختی که عقبه و هشی، تبلیغاتی و جریان سازی عمیق می خواهد بپایس از شروع و به نتیجه رساندن یک کار کم ایراد است که دلبسته تولید برای این حوزه می شویم شویم با چه جامعه مخاطب وسیع، پای کار و طرفیم.